



الگوبندی عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری در شرکت‌ها

محمدحسین اسدی مشیزی^۱

زهره حاجیها^۲

سیده‌محبوبه جعفری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۸

چکیده

هدف این پژوهش تبیین و الگوبندی عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری با مطالعه ادبیات و استخراج عوامل مؤثر در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای این پژوهش از صورت‌های مالی ۱۵۴ شرکت گردآوری شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون چند متغیره با داده‌های تابلویی استفاده شده است. در راستای اهداف پژوهش متغیر محافظه‌کاری با استفاده از معیار گیولی و هاین (۲۰۰۰) استفاده گردید. عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری با مراجعه به پژوهش‌های پیشین و استفاده از مبانی نظری شناسایی و انتخاب شدند. یافته‌های حاصل از پژوهش بیان‌گر آن است که معیارهای جریان‌های نقدی آزاد، اهرم مالی، مدیریت سود، هزینه سرمایه، استقلال هیئت‌مدیره، بیش‌اطمینانی مدیریت، پاداش هیئت‌مدیره، اندازه شرکت و کیفیت افشا به ترتیب اولویت از عوامل تأثیرگذار بر معیار محافظه‌کاری حسابداری هستند. به عبارتی ویژگی‌های شرکتی و تفکرات مدیریتی حاکم بر رویه‌های اتخاذ شده در شرکت از تأثیرگذاری بیشتری نسبت به سایر عوامل برخوردار هستند. همچنین نتایج حاصله تأییدی بر مرتبط بودن محافظه‌کاری با تئوری قراردادهای است.

واژه‌های کلیدی: استقلال هیئت‌مدیره، بیش‌اطمینانی مدیریت، پاداش هیئت‌مدیره، محافظه‌کاری.

۱- گروه حسابداری، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

۲- گروه حسابداری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) drzhajiha@gmail.com

۳- گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

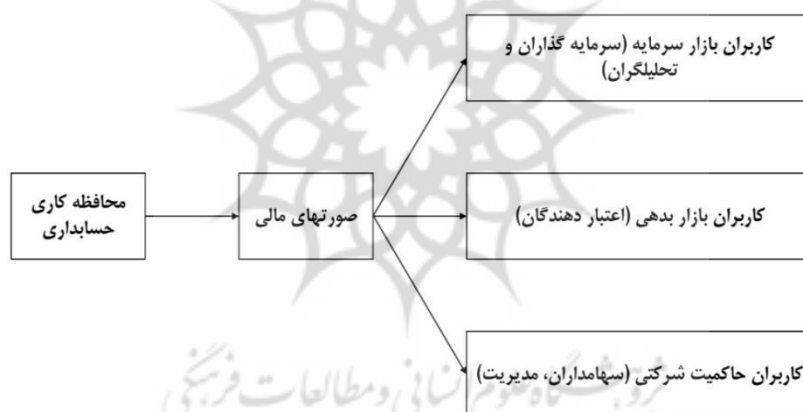
۱- مقدمه

محافظه کاری حسابداری می‌تواند به عنوان رویه‌ها یا گرایش‌هایی تعریف شود که منجر به کاهش تمایل سوگیرانه حسابداری در ارزش خالص دارایی مرتبط با خالص ارزش دارایی اقتصادی می‌شود. این یکی از بنیادی‌ترین مشخصه‌های اطلاعات حسابداری در دهه‌های اخیر است (باسو، ۱۹۹۷؛ واتس، ۲۰۰۳ الف). در حالی که سؤال کمی درباره وجود محافظه کاری وجود دارد، مباحثی میان پژوهش‌گران و تدوین‌کنندگان استاندارد درباره منافع و مخارج محافظه کاری برای استفاده کنندگان صورت‌های مالی وجود دارد. هیئت استانداردهای حسابداری مالی (۲۰۱۰) محافظه کاری را به عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی گزارشگری مالی طبق چارچوب مفهومی خود قلمداد نمی‌کند زیرا اعتقاد بر این است محافظه کاری سوگیری اطلاعات حسابداری بر مبنای بی‌طرفی است. برخی از پژوهش‌گران محافظه کاری را مورد انتقاد قرار داده‌اند و معتقدند که اعداد و ارقام سوگیرانه گزارش شده در صورت‌های مالی حاصل از محافظه کاری می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیم‌های نامناسب شود (قوآی و وره‌چیا، ۲۰۰۶؛ گیگلر و همکاران، ۲۰۰۹).

در مقابل برخی پژوهش‌گران معتقدند که محافظه کاری حسابداری بی‌طرفی را بین طرفین قرارداد افزایش می‌دهد و به عنوان سازوکار کارآمد در قراردادهای فی‌مابین ضروری است (باسو، ۱۹۹۷؛ واتس، ۲۰۰۳ الف). این دیدگاه منجر به این نکته می‌شود که قراردادهایی منعقد شده (مانند بدهی و پاداش مدیران) از نوعی عدم تقارن رنج می‌برد، بنابراین بایستی گزارش‌هایی به موقع که اطلاعات آن‌ها بیشترین تأثیرگذاری بر طرفین قرارداد داشته باشند ارائه شود. به عنوان مثال، یک توافق‌نامه بدهی، منافع نامتقارن برای اعتباردهنده را دارد. در حالی که عملکرد مالی خوب میزان بازپرداختی برای اعتباردهندگان را افزایش نمی‌دهد، ولی عملکرد مالی ضعیف ریسک ورشکستگی را افزایش و متعاقب آن سود بالقوه اعتباردهنده را کاهش می‌دهد. در نتیجه اعتباردهنده تقاضا می‌کند اعتبارگیرنده اطلاعاتی را که ممکن است عملکرد مالی ضعیف را منعکس می‌کند (مانند اخبار بد) نسبت به اطلاعاتی که ممکن است عملکرد مالی خوب را (مانند اخبار خوب) نشان می‌دهد، کامل‌تر و پرمحتواتر گزارش کند.

مباحث بحث‌برانگیزی از دیدگاه‌های مختلف در رابطه با نقش اطلاعات حسابداری مطرح می‌شود. از یک منظر، عملکرد اصلی حسابداری، جمع‌آوری اطلاعات است که می‌تواند برای ارزیابی ارزش بازار سهام و تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری استفاده شود (دیدگاه ارزیابی). از دیدگاهی دیگر، وظیفه اصلی حسابداری فراهم آوردن اطلاعاتی است که به طرفین قرارداد اجازه می‌دهد کارایی و اثربخشی قرارداد مانند بدهی و پاداش مدیران را ارزیابی کنند (دیدگاه قراردادی). ارزیابی منافع و مخارج محافظه کاری حسابداری به طور چشمگیری بستگی به دیدگاه یک فرد از اطلاعات

حسابداری دارد (ارزشیابی در مقابل قراردادی)، زیرا اطلاعاتی که از یک دیدگاه مطلوب است ممکن است از دیدگاه دیگر ارزش کمی داشته باشد. در ارتباط با مبحث محافظه‌کاری پژوهش‌های متعددی از حیث بررسی ارتباط یا بررسی تأثیر با مباحث مختلف صورت گرفته ولی در این پژوهش با استفاده از تئوری زمینه بنیاد اقدام به مطالعه جامع تئوریک عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری و در نهایت ارائه مدل پرداختیم. بعد از ارائه مدل اقدام به اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری نیز شد که می‌توان نوآوری پژوهش فوق را با پژوهش‌های پیشین عنوان کرد. با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان ارتباط محافظه‌کاری و ذی‌نفعان را در قالب الگوی زیر نمایش داد. هدف این پژوهش الگوبندی عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری و تعیین اولویت هر یک از آن‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در ادامه این مقاله ابتدا مبانی نظری مطالعه حاضر و پیشینه آن، تبیین فرضیه‌های پژوهش، روش‌شناسی پژوهش، آمار توصیفی متغیرها و آزمون فرضیه‌ها و در انتهای مقاله نیز بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادهای ناشی از نتایج پژوهش ارائه خواهد شد.



شکل ۱- الگوی ارتباط محافظه‌کاری و ذی‌نفعان.

راج و تیلیور (۲۰۱۵)

۲- مبانی نظری پژوهش

محافظه‌کاری راهی است برای مقابله با شک و تردید موجود درباره رویدادهای آتی که در صورت پیروی بیش از حد از آن، نه تنها بر مطلوبیت و مفید بودن اطلاعات نمی‌افزاید، بلکه راه ایجاد ذخایر پنهان در صورتهای مالی را برای مدیران و حسابداران می‌گشاید. گزارش‌های مالی محافظه‌کارانه برای وضعیت حال صاحبان سرمایه واقع‌بینانه نیست و به ایجاد نوعی انحراف در بیان

وضعیت فعلی آن‌ها می‌انجامد؛ چرا که این اصل باعث می‌شود ارزش خالص واحد تجاری با ارزش مورد انتظار آتی برابر نباشد؛ بنابراین می‌توان گفت که استفاده از اصل محافظه کاری به زیر پا گذاشتن اصل بی‌طرفی می‌انجامد. در ذیل تبیین‌های نظری ارائه شده است:

جدول ۱- تبیین‌های نظری عوامل مؤثر بر محافظه کاری

عوامل مؤثر	تبیین‌های نظری	
ویژگی‌های شرکت	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	شرکت‌های با نرخ ارزش بازار به ارزش دفتری بالا، فرصت‌های سرمایه‌گذاری بیشتری پیش روی خود دارند. وجود گزینه‌های مختلف رشد با هزینه‌های نمایندگی رابطه‌ای مثبت دارد (اسمیت و واتس، ۱۹۹۲) و محافظه کاری ابزاری کارآمد در پاسخ به هزینه‌های نمایندگی است. لذا تقاضای قراردادی بالاتری برای محافظه کاری از طرف این شرکت‌ها وجود دارد. همچنین انتظار می‌رود بازده سهام این شرکت‌ها، نوسان بیشتری داشته باشند زیرا سهم بیشتری از ارزش بازار آن‌ها به سبب فرصت‌های سرمایه‌گذاری‌شان است. لذا برای این شرکت‌ها احتمال بیشتری وجود دارد که زیان‌های خیلی بزرگی را تجربه کنند که متعاقباً دادخواهی‌هایی را در پی خواهد داشت. در نتیجه تقاضای حقوقی برای محافظه کاری برای شرکت‌های با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری بالا، بیشتر است (خان و واتس، ۲۰۰۹).
	اندازه شرکت	انتظار بر این است که شرکت‌های بزرگ‌تر، رشد یافته‌تر بوده و محیط‌های اطلاعاتی غنی‌تری داشته باشند که عدم اطمینان و عدم تقارن اطلاعاتی مرتبط با قابلیت تحقق سودهای آتی را به‌طور کلی کاهش می‌دهد (اسلی و همکاران، ۲۰۰۲). این مقوله تقاضای قراردادی کمتری برای محافظه کاری از طرف شرکت‌های بزرگ را نشان می‌دهد. از طرفی انتظار می‌رود که در شرکت‌های بزرگ‌تر، مدیریت توانایی بیشتری در هموارسازی سود داشته باشد که این امر باعث می‌شود ارزش فعلی بدهی مالیاتی در این شرکت‌ها کاهش یافته و لذا تقاضای مالیاتی برای محافظه کاری نیز کاهش یابد. همچنین به دلیل وجود هزینه‌های ثابت دادخواهی در این شرکت‌ها، تقاضای حقوقی پایین‌تری برای محافظه کاری از طرف شرکت‌های بزرگ‌تر وجود دارد (خان و واتس، ۲۰۰۹).
	اهرم مالی	شرکت‌های با درجه اهرم مالی بالا، دارای تعارض‌های نمایندگی بین اعتباردهندگان و سهامداران هستند. این مقوله مبین وجود تقاضای قراردادی بالاتری برای محافظه کاری از طرف این شرکت‌ها است (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶). همچنین شرکت‌هایی که به لحاظ تأمین منابع مالی و نقدینگی با مشکل مواجه هستند، بیشتر احتمال دارد که تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند و از آنجایی که احتمال فشار مالی با اهرم مالی افزایش می‌یابد، نشان‌دهنده تقاضای حقوقی بالاتری برای محافظه کاری از طرف این شرکت‌ها است (واتس، ۱۹۹۳).
	رشد فروش	شرکت‌های کم سابقه فرصت‌های رشد بیشتری نسبت به شرکت‌های با سابقه دارند. عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران به واسطه وجود فرصت‌های رشد افزایش می‌یابد؛ زیرا جریان‌های نقدی آتی نوعاً تأییدپذیر نیستند و این باعث ایجاد هزینه‌های نمایندگی و متعاقباً محافظه کاری بیشتر می‌شود (لافوند و واتس، ۲۰۰۸).

عوامل مؤثر	تبیین‌های نظری
ویژگی‌های مدیریتی	<p>پاداش هیئت‌مدیره</p> <p>قراردادهای مزایای جبران خدمات مبتنی بر سود مدیران نیز موجب تقاضا برای محافظه‌کاری می‌شود. در این گونه قراردادهای، موقعیت مدیر نسبت به سهامداران همانند موقعیت سهامداران نسبت به اعتباردهندگان در قراردادهای استقراض است. همانند سهامداران، مدیر تنها هنگامی در بازده سهام است که بازده ویژه‌ای کسب شود؛ از این رو، وی به قسمت‌هایی از توزیع بازده علاقه بیشتری دارد. همان‌گونه که ممکن است سهامداران برای توزیع سود به بیش نمای سود علاقه‌مند باشند؛ مدیر نیز برای بیش نمای سود به منظور دریافت و افزایش مزایایش، در طرح مبتنی بر سود، انگیزه‌هایی دارد. افزون بر این، مدیر دارای دوره تصدی محدود و همانند سهامداران، مسئولیت محدود می‌باشد. پس از انقصال مدیر از خدمت در شرکت، بازیافت اضافه پرداخت مزایای جبران خدمات، بسیار مشکل است. این امر برای مدیران انگیزه استفاده از اطلاعات نامتقارن درباره جریان‌های نقدی آتی را برای بیش نمای سود و انتقال ثروت از سهامداران ایجاد می‌کند. محافظه‌کاری توانایی مدیران را در استفاده از اطلاعات برای بیش نمای سود، ایجاد چنین انتقال ثروتی و زیان‌های ناشی از این فرایند، می‌کاهد.</p>
	<p>اجتناب مالیاتی</p> <p>سود مشمول مالیات و روش‌های محاسبه آن با سود گزارش شده رابطه دارد و بر نحوه محاسبه آن مؤثر است. رابطه بین سود مشمول مالیات و سود گزارش شده، انگیزه معوق کردن سود و در نتیجه معوق کردن پرداخت مالیات و کاهش ارزش فعلی مالیات را فراهم می‌سازد. به‌طور کلی، این انگیزه نیز همانند قراردادهای منجر به کم‌نمایی خالص دارایی‌ها می‌شود. رابطه بین سود گزارش شده و سود مشمول مالیات، در تعدادی از شرکت‌هایی که به تازگی در جستجوی بازیافت اضافه پرداخت‌های مالیاتی هستند (مانند شرکت وردکام)، به روشنی دیده می‌شود. این موارد در مسیری مخالف با ایجاد محافظه‌کاری ناشی از مالیات در روش‌های گزارشگری، قرار دارند؛ ولی باید توجه داشت که در موارد تقلب، ملاحظات گزارشگری نسبت به ملاحظات مالیاتی پیشی می‌گیرند.</p>
	<p>بیش اطمینانی مدیریت</p> <p>برآوردهای مدیریتی نقش اساسی در بکارگیری حسابداری محافظه‌کارانه بازی می‌کند. برای مثال، مدیران ارزش خالص بازیافتنی موجودی کالا را در بکارگیری قاعده اقل بهای تمام شده و بازار برای ارزش‌گذاری موجودی کالا برآورد می‌کنند. مدیران بیش‌اطمینان، بازده‌های آینده پروژه‌های شرکت را بیش برآورد می‌کنند؛ بنابراین ممکن است احتمال و بزرگی شوک‌های مثبت به جریان‌های نقدی آینده حاصل از پروژه‌های فعلی را بیش برآورد و شوک‌های منفی در جریان‌های نقدی را کم برآورد کنند. بیش برآورد بازده‌های آینده با جریان‌های نقدی پروژه‌ها یا دارایی‌های جاری حداقل دو مفهوم در خصوص تصمیمات مدیران دارد. نخست اینکه احتمالاً مدیران بیش اطمینان شناسایی سود را شتاب بخشیده و شناسایی زیان را به تأخیر می‌اندازند. به علاوه هنگامی که آن‌ها تصمیم به شناسایی زیان می‌گیرند، احتمالاً بزرگی این زیان‌ها را کم برآورد می‌کنند؛ بنابراین بیش اطمینانی منجر به گزارشگری مالی محافظه‌کارانه کمتری خواهد شد (احمد و دولمان، ۲۰۱۳).</p>
خطای پیشش	حسابداری محافظه‌کارانه منجر به کاهش جانب‌داری در سود و خالص دارایی‌های گزارش شده

عوامل مؤثر	تبیین‌های نظری
ویژگی‌های بازار	<p>بینی سود</p> <p>در شرایط رشد سرمایه‌گذاری می‌شود. تحقیقات پیشین نشان داده‌اند که تحلیل‌گران به طور کامل این کاهش جانب‌داری را درک نمی‌کنند که ممکن است تا حدودی خوش‌بینی لحاظ شده در پیش‌بینی سود توسط آن‌ها را تبیین نماید. مدیران تحت این فشار قرار دارند که به سود پیش‌بینی یا حداقل مورد انتظار تحلیل‌گران دست یابند، از این‌رو دارای این انگیزه هستند که اعلامیه‌های سود را منتشر نمایند که ممکن است باعث شود تحلیل‌گران پیش‌بینی خود را با توجه به اثرات حسابداری محافظه‌کارانه تعدیل کنند (لی، ۲۰۰۷).</p>
	<p>مدیریت سود</p> <p>از بعد سازمانی مدیران دارای انگیزه هستند که برای اهداف مالیاتی، عدم پرداخت سود سهام و سایر عوامل، سود را مدیریت کنند. در این میان مدیران از میان رویه‌های ممکن، آن‌هایی را انتخاب می‌کنند که منجر به ارقام سود متفاوت از واقعیت می‌شود (لارا و همکاران، ۲۰۰۵) و بنابراین در طی دوره‌های اخبار بد رابطه معناداری میان سود و بازده (بیش محافظه‌کاری) وجود دارد.</p>
	<p>جریان نقدی آزاد</p> <p>نتایج حاصل از برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که گزارشگری محافظه‌کارانه می‌تواند کاهش ارزش مرتبط با نگهداشت وجه نقد زیاد را از طریق تشویق به استفاده کاراتر از وجه نقد کمتر کند (لوئیس و همکاران، ۲۰۱۲) و به سرمایه‌گذاران از طریق تصمیمات سرمایه‌گذاری کاراتر منفعت برساند (احمد و دولمان، ۲۰۱۱). اگر سهامداران این مزایای محافظه‌کاری را درک کنند، آن‌ها احتمالاً در زمان وجود هزینه‌های نمایندگی ناشی از جریان‌های نقدی آزاد، تقاضای گزارشگری محافظه‌کارانه‌تری را می‌نمایند (هایونگ‌ها، ۲۰۱۱).</p>
	<p>هزینه سرمایه</p> <p>در یک حالت تعادلی، مقدار و کیفیت اطلاعات بر قیمت‌داری‌ها تأثیر می‌گذارد و سرمایه‌گذاران بازده بالاتری را برای نگهداری سهام خود در شرایط وجود عدم تقارن اطلاعاتی مطالبه می‌کنند. در زمان وجود عدم تقارن اطلاعاتی، سرمایه‌گذاران غیرمطمع با نگهداری سهام خود را در معرض ریسک بالاتری قرار می‌دهند زیرا آن‌ها توانایی کمتری برای هماهنگ‌سازی سبد سرمایه‌گذاری‌شان با اطلاعات جدید ثبت شده دارند؛ بنابراین متقاضی نرخ‌های بالاتر بازده هستند (السی و اهارو، ۲۰۰۴). یکی از راه‌هایی که شرکت بر تعادل نرخ بازده خود اثر می‌گذارد، از طریق تعدیل رویه‌های حسابداری شرکت و به عبارتی محافظه‌کاری است.</p>
<p>کیفیت افشا</p> <p>به احتمال زیاد شرکت‌های دارای افشای حسابداری با کیفیت پایین به اعمال محافظه‌کاری به منظور پیشبرد اهداف مدیریتی خود دست می‌زنند؛ برای مثال در مواقع زیان‌دهی و کاهش شدید قیمت سهام، مدیران ممکن است تمایل به ثبت کمتر از واقع ارزش‌داری‌ها داشته باشند تا از روش حساب‌شویی اقدام به مدیریت سود کنند و در نتیجه سود دوره‌های آتی را بالا ببرند (جیراپرن و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین ممکن است از محافظه‌کاری برای کاهش ریسک دعاوی حقوقی و دستیابی به بهترین شیوه تأمین مالی استفاده شود (کوپنز و پیک، ۲۰۰۵). جایگزینی مدیریت، قرارداد پاداش مدیریت، آینده شرکت و قیمت سهام شرکت به شدت تحت تأثیر صورت‌های مالی ارائه شده و اطلاعات حسابداری مبنای قراردادهای (لافوند واتز، ۲۰۰۸)؛ بنابراین شرکت‌ها مشوق‌های مهمی برای اعمال محافظه‌کاری و کاهش مدیریت سود</p>	

تبیین‌های نظری	عوامل مؤثر	
<p>دارند.</p> <p>استنباط بر این است که شرکت‌ها با ساختار نظام راهبری شرکتی قوی به دلیل نظارت بیشتر بر مدیریت، از روش‌های محافظه‌کارانه بیشتری در گزارشگری استفاده کرده در حالی که مدیران شرکت‌ها با ساختار نظام راهبری ضعیف انگیزه و مشوق‌های لازم برای گزارشگری به طور صحیح را نداشته و بالعکس انگیزه بیشتری برای رفتار فرصت‌طلبانه و جانبدارانه خواهند داشت. بر اساس این دیدگاه، نظارت بهتر توسط مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی منجر به محافظه‌کاری بیشتر در صورت‌های مالی برای اطمینان از صحت اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی و اطمینان از عدم انجام اقدامات یکجانبه مدیریت به نفع خویش می‌گردد. دیدگاه دیگر در این زمینه بیان می‌کند که به دلیل وجود مسائل نمایندگی تقاضا برای محافظه‌کاری هنگامی که ساختار نظام راهبری شرکتی ضعیف می‌باشد از طرف سهامداران و سایر ذینفعان برای کاهش عدم اطمینان و افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری افزایش می‌یابد و محافظه‌کاری به عنوان جانشین مکانیزم نظام راهبری شرکتی عمل می‌کند. در این دیدگاه شرکت‌های دارای نظام راهبری قوی به دلیل وجود سایر مکانیزم‌های کنترل مدیریت، تقاضایی برای بکارگیری محافظه‌کاری توسط مدیریت ندارند (ووجان‌چی، ۲۰۰۹).</p>	<p>حاکمیت شرکتی</p>	<p>ویژگی‌های حاکمیت شرکت و نظارتی</p>
<p>گروهی دیگر بر این باورند تعاملات طولانی‌مدت حسابرس و صاحبکار منجر به افزایش به‌کارگیری رویه‌های محافظه‌کارانه توسط صاحبکار می‌شود. به اعتقاد این گروه از صاحبانظران، از آنجایی که حسابرسان جدید معمولاً فاقد شناخت کافی درباره‌ی فعالیت‌های تجاری و سیستم‌های کنترل داخلی صاحبکار هستند مجبور می‌شوند بیشتر روی تصمیم‌های مدیران در رابطه با گزارشگری مالی اتکا کنند و در نتیجه احتمال بیشتری وجود دارد که با رویه‌های فرصت‌طلبانه‌ی مدیران موافقت کنند. این امر می‌تواند منجر به کاهش استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه شود؛ اما با افزایش دوره‌ی تصدی و به‌دست آوردن شناخت بیشتر، هوشیاری آن‌ها نسبت به کار بیشتر شده و از هرگونه ریسک حسابرسی بالقوه اجتناب می‌کنند؛ مثلاً درخواست استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه‌تری را از مدیریت خواهند داشت. حسابرسان از محافظه‌کاری به‌عنوان یک استراتژی مدیریت ریسک، بهره می‌گیرند. شناسایی سریع‌تر اخبار بد درباره‌ی جریان‌های نقدی آتی نسبت به اخبار خوب (محافظه‌کاری) می‌تواند به‌عنوان اولین ابزار حفاظتی در برابر طرح دعاوی حقوقی بالقوه علیه حسابرسان مطرح شود. سایر استراتژی‌ها مانند افزایش در حق‌الزحمه‌ی حسابرسی به‌منظور جبران افزایش ریسک دعاوی حقوقی یا حتی کناره‌گیری از حسابرسی‌های پر ریسک می‌تواند هزینه‌بر و ناکارا باشد. نتایج پژوهش‌های جنکینز و ولوری (۲۰۰۶) موافق با این دیدگاه است.</p>	<p>کیفیت حسابرسی</p>	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۳- پیشینه پژوهش

راچ و تیلور (۲۰۱۴) با بررسی تحقیقات انجام شده در حوزه محافظه کاری حسابداری با یافته های متفاوتی درباره سودمندی محافظه کاری حسابداری در ارتقای کیفیت صورت های مالی مواجه شدند. از جمله آن که محافظه کاری حسابداری از طریق ایجاد ذخایر حسابداری مانند ذخیره مطالبات مشکوک الوصول موجب مدیریت سود می شود اما از طرف دیگر آن ها به این نتیجه رسیدند که محافظه کاری موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود شفافیت افشای اطلاعات صورت های مالی می شود. نتایج پژوهش آن ها نشان می دهد که محافظه کاری حسابداری می تواند به عنوان یک مکانیزم قراردادی کارآمد برای جلوگیری از تضاد منافع میان ذینفعان بکار آید.

ایشیدا (۲۰۱۴) طی مطالعه ای به این نتیجه رسید که محافظه کاری نامشروط از ارائه بیش از واقع سود حسابداری جلوگیری می کند و مانع از افزایش ادعای ذینفعان شرکت نسبت به دارایی ها می گردد. این موضوع باعث می شود تا کیفیت و اعتبار گزارش های مالی افزایش یابد و مؤسسات مالی تمایل بیشتری برای اعطای اعتبار به این گروه از شرکت ها داشته باشند. با این حال وی معتقد است محافظه کاری مشروط که به دلیل انتشار اخبار بد اقتصادی خارج از شرکت رخ می دهد موجب افزایش کیفیت گزارشگری شرکت نشده و روی حجم تسهیلات دریافتی شرکت از مؤسسات مالی تأثیری ندارد.

کراوت (۲۰۱۴) به مطالعه و بررسی ارتباط بین محافظه کاری حسابداری و تصمیم های مدیریتی مربوط به تحصیل پرداخت. مطالعه مزبور در بورس اوراق بهادار ایالات متحده برای دوره زمانی ۲۰۰۶ - ۱۹۸۴ انجام شده است. نتایج پژوهش وی حاکی از آن است که بین محافظه کاری حسابداری و تحصیل های پرمخاطره ارتباطی معکوس وجود دارد. حسابداری با سطح محافظه کاری بالاتر نیز انگیزه های مدیریت را برای تحصیل های پرمخاطره کاهش می دهد. همچنین بیان نمود هر چه شرکت دارای قراردادهای بدهی بیشتری باشد ارتباطی منفی بین محافظه کاری حسابداری و مخاطره پذیری مدیران از منظر تحصیل، قوی تر است.

لارا و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه ای به بررسی محافظه کاری و کارایی سرمایه گذاری شرکت ها پرداختند و در پی این موضوع بودند که آیا محافظه کاری، کارایی سرمایه گذاری را بهبود می بخشد؟ همچنین آن ها پیش بینی کردند که محافظه کاری می تواند تضادهای بدهی سرمایه ای را رفع کند و دسترسی شرکت ها را به بدهی مالی و محدودیت کم سرمایه گذاری آسان نماید. آن ها دریافتند که شرکت های محافظه کارتر سرمایه گذاری بیشتری می کنند و همچنین بدهی بیشتری را در کم سرمایه گذاری منتشر می کنند که در شرکت های مورد بررسی موجب عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر شده است.

پن (۲۰۱۷) در پژوهش خود با استفاده از مدل خان واتس نشان داد، شرکت‌های دارای محافظه‌کاری حسابداری، بعد از اجرای طرح بسته محرک، وام‌های بیشتری دریافت نکرده‌اند. همچنین شرکت‌های دارای محافظه‌کاری حسابداری، بازده سرمایه‌گذاری بیشتری دارند. به طور کلی یافته‌های این پژوهش نشان داد که تأثیر مثبت محافظه‌کاری حسابداری به محیط‌های نهادی و سیاسی دولت بستگی دارد.

جمز و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی اثر مراحل چرخه عمر شرکت بر محافظه‌کاری پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که محافظه‌کاری غیرشرطی در طی مراحل چرخه عمر کاهش می‌یابد اما شواهدی که نشان دهد محافظه‌کاری شرطی بیان شده با مدل باسو با مراحل چرخه عمر مرتبط باشد وجود ندارد. همچنین در دوره ورشکستگی‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۹ و دوره بحران مالی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ محافظه‌کاری کاهش یافته است.

ماشوکا و ابوهوموس (۲۰۱۸) در پژوهشی که در بازار سرمایه اردن به بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر کیفیت سود پرداختند به این نتیجه رسیدند که با افزایش سطوح سرمایه‌گذاری و نسبت مالکیت نهادی، بر میزان محافظه‌کاری افزوده می‌شود و کیفیت سود به همان میزان کاهش می‌یابد.

ناگار و همکاران (۲۰۱۹) با بررسی اثرات تعاملی محافظه‌کاری، اطلاعات نامتقارن و افشا به این نتیجه رسیدند که محافظه‌کاری نسبت به ارزش شرکت به ایجاد تمایل برای جمع‌آوری اطلاعات خصوصی منجر می‌شود. در همین راستا محافظه‌کاری به تغییر قیمت خرید و فروش سهام منجر می‌شود که در نتیجه آن ارزش سهام کاهش می‌یابد. مدیران به منظور واکنش به نوسان قیمت‌ها اقدام به بهبود افشای داوطلبانه می‌کنند.

انصاری و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، مدیریت واقعی سود و سطح کلی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش برای سنجش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی از مدل‌های جونز تعدیل شده و کوتاری، برای سنجش مدیریت واقعی سود و محافظه‌کاری از پژوهش گارسیا و همکاران استفاده شد. در این پژوهش یک رابطه معکوس میان محافظه‌کاری و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و یک رابطه مستقیم میان محافظه‌کاری و مدیریت واقعی سود حاصل شد. همچنین در این پژوهش اثر محافظه‌کاری بر سطح کلی مدیریت سود نیز مورد آزمون قرار گرفت و یک رابطه منفی میان محافظه‌کاری و سطح کلی مدیریت سود بدست آمد.

تاری‌وردی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی بر محافظه‌کاری حسابداری پرداختند. این مطالعه در بازه زمانی ۱۳۹۳ - ۱۳۸۵ در شرکت‌های پذیرفته شده در

بورس اوراق بهادار تهران انجام شد. برای آزمون فرضیه‌ها از روش تجزیه و تحلیل پانلی استفاده شده است. نتایج حاصل از مطالعه حاکی از آن است که نظام راهبری شرکتی قوی، محافظه‌کاری را افزایش می‌دهد.

مشایخ و نیکبخت (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر حجم تأمین مالی شرکت‌ها پرداختند. در این تحقیق میزان تأثیر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط در بازه زمانی ۱۳۹۲ - ۱۳۸۴ بررسی شد. همچنین در این تحقیق میزان تأثیر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط واحدهای تجاری در اخذ تسهیلات مالی مقایسه شده است. برای سنجش محافظه‌کاری مشروط از معیار بیور و رایان استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط، حجم تسهیلات دریافتی شرکت‌ها افزایش می‌یابد. به بیان دیگر مؤسسات مالی میل بیشتری به اعطای وام به شرکت‌هایی دارند که درجه بالاتری از محافظه‌کاری را اعمال می‌نمایند.

زنجیردار و رفیعی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر ضریب واکنش سود بر روابط اعتماد بیش از حد مدیریت و محافظه‌کاری مشروط پرداختند. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که بین اعتماد بیش از حد مدیریت و محافظه‌کاری مشروط در شرکت‌های با ضریب واکنش سود بالا و پایین ارتباط معناداری به صورت مستقیم وجود دارد. به طوری که با افزایش اعتماد بیش از حد مدیریت شرکت به توانایی‌های خود محافظه‌کاری مشروط در شرکت‌ها نیز افزایش و یا کاهش می‌یابد و این موضوع از نظر تفسیر حسابداری یعنی میزان ضریب واکنش سود تأثیری بر روابط بین اعتماد بیش از حد مدیریت و محافظه‌کاری مشروط ندارد.

خدای پور و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر محافظه‌کاری حسابداری و مالکیت سهام‌داران نهادی بر مدیریت سود با استفاده از قانون بنفورد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های حاصل از مطالعه نشان داد محافظه‌کاری، مالکیت سهام‌داران نهادی و اثر تعاملی این دو متغیر باعث کاهش مدیریت سود می‌شود. از نتایج پژوهش می‌توان دریافت که ذی‌نفعان شرکت می‌توانند از محافظه‌کاری و مالکیت سهام‌داران نهادی به عنوان دو ابزار کارآمد جهت محدود کردن فرصت‌های مدیریت سود استفاده کنند. ملکی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر چرخه عمر شرکت‌ها بر سطح محافظه‌کاری پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که میزان محافظه‌کاری محاسبه شده با استفاده از مدل خان و واتس (۲۰۰۹)، در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت‌ها متفاوت است؛ به طوری که مرحله رشد شرکت در طی چرخه عمر، تأثیر منفی و معنی‌داری بر محافظه‌کاری شرکت‌ها دارد و بین مرحله بلوغ و افول با محافظه‌کاری شرکت‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.

۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به شناسایی جامع کلیه عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی به شرح زیر هستند:

فرضیه اصلی: عوامل شناسایی شده از طریق تبیین‌های نظری بر محافظه‌کاری تأثیر دارند.
فرضیه‌های فرعی:

- فرضیه (۱) نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری بر معیار محافظه‌کاری تأثیر دارد.
- فرضیه (۲) اندازه شرکت بر معیار محافظه‌کاری تأثیر دارد.
- فرضیه (۳) ساختار سرمایه بر معیار محافظه‌کاری تأثیر دارد.
- فرضیه (۴) فرصت رشد بر معیار محافظه‌کاری تأثیر دارد.
- فرضیه (۵) پاداش هیئت‌مدیره بر معیار محافظه‌کاری تأثیر دارد.
- فرضیه (۶) اجتناب مالیاتی بر معیار محافظه‌کاری تأثیر دارد.
- فرضیه (۷) جریان نقدی آزاد بر معیار محافظه‌کاری تأثیر دارد.
- فرضیه (۸) بیش‌اطمینانی مدیریت بر معیار محافظه‌کاری تأثیر دارد.
- فرضیه (۹) هزینه سرمایه بر معیار محافظه‌کاری تأثیر دارد.
- فرضیه (۱۰) خطای پیش‌بینی سود بر معیار محافظه‌کاری تأثیر دارد.
- فرضیه (۱۱) معیارهای اصول راهبری شرکتی بر معیار محافظه‌کاری تأثیر دارد.
- فرضیه (۱۲) کیفیت افشا بر معیار محافظه‌کاری تأثیر دارد.
- فرضیه (۱۳) کیفیت حسابرسی بر معیار محافظه‌کاری تأثیر دارد.
- فرضیه (۱۴) مدیریت سود بر معیار محافظه‌کاری تأثیر دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

۵-۱- روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی از نوع همبستگی و از نظر هدف کاربردی می‌باشد. انجام پژوهش در چارچوب استدلال‌های قیاسی - استقرایی صورت می‌پذیرد، بدین معنی که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه کتابخانه‌ای، مجلات و سایر سایت‌های معتبر در قالب قیاسی و گردآوری داده‌ها برای تأیید و رد فرضیه‌ها از راه استقرایی صورت می‌پذیرد. هم‌چنین با توجه به این‌که داده‌های استفاده شده در پژوهش حاضر اطلاعات واقعی و تاریخی است، آن را می‌توان از نوع پس‌رویدادی طبقه‌بندی کرد.

۵-۲- روش تحلیل داده‌ها

به دلیل نوع داده‌های مورد مطالعه، مقایسه‌ی هم‌زمان داده‌های مقطعی و طولی از روش الگوهای داده‌های ترکیبی (پانل دیتا) برای برآورد ضرایب و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. ابتدا برای تعیین روش به کارگیری داده‌های ترکیبی و تشخیص همگن یا ناهمگن بودن آن‌ها از آزمون چاو استفاده شده است. در این آزمون فرض صفر مبنی بر همگن بودن داده‌هاست و در صورت تأیید، می‌بایست کلیه داده‌ها را با یکدیگر ترکیب کرد و به وسیله یک رگرسیون کلاسیک تخمین پارامترها را انجام داد، در غیر این صورت داده‌ها را به صورت داده‌های پانلی در نظر گرفت. در صورتی که نتایج این آزمون مبنی بر به کارگیری داده‌ها به صورت داده‌های پانلی شود، می‌بایست برای تخمین مدل پژوهش از یکی از مدل‌های اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده شود. برای انتخاب یکی از دو مدل باید آزمون هاسمن اجرا شود. فرض صفر آزمون هاسمن مبنی بر مناسب بودن مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل‌های رگرسیونی داده‌های تابلویی است.

۵-۳- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش در برگیرنده کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به دلیل نحوه محاسبه متغیر وابسته، دوره‌ی زمانی پژوهش از سال ۱۳۸۷ تا سال ۱۳۹۶ در نظر گرفته شده است. هم‌چنین در این پژوهش نمونه‌ای به حجم ۱۵۴ شرکت بر اساس معیارهای زیر از جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است:

الف) با توجه به دوره‌ی زمانی دسترسی به اطلاعات (۱۳۹۶-۱۳۸۷)، شرکت قبل از سال ۱۳۸۷ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد و نام آن تا پایان سال ۱۳۹۶ از فهرست شرکت‌های یاد شده حذف نشده باشد؛

ب) به منظور افزایش توان هم‌سنجی و همسان‌سازی شرایط شرکت‌های انتخابی، سال مالی شرکت‌ها باید به پایان اسفند ماه هر سال منتهی شود؛

پ) به دلیل شفاف نبودن مرزبندی بین فعالیت‌های عملیاتی و تأمین مالی شرکت‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی و ...)، این شرکت‌ها از نمونه حذف شده‌اند؛

ت) شرکت‌هایی که اطلاعات آن‌ها برای محاسبه‌ی متغیرهای اولیه‌ی صورت‌های مالی ناقص بوده‌اند از نمونه حذف شده‌اند.

جدول ۲. نمونه مورد مطالعه به تفکیک صنعت

درصد	تعداد شرکت	صنعت
۳/۳	۵	کانه فلزی
۸/۵	۱۳	محصولات غذایی و آشامیدنی بجز قند و شکر
۲/۶	۴	محصولات چوبی، کاغذ و چاپ
۲/۶	۴	فرآورده نفتی، کک و سوخت هسته‌ای
۶/۵	۱۰	محصولات شیمیایی
۱۱/۷	۱۸	مواد و محصولات دارویی
۳/۹	۶	لاستیک و پلاستیک
۱۱	۱۷	سیمان، آهک و گچ
۵/۲	۸	سایر محصولات کانی غیرفلزی
۵/۸	۹	کاشی و سرامیک
۱۰/۴	۱۶	فلزات اساسی
۴/۵	۷	ماشین‌آلات و تجهیزات
۳/۲	۵	ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی
۱۸/۲	۲۸	خودرو و ساخت قطعات
۲/۶	۴	رایانه و فنی مهندسی
۱۰۰	۱۵۴	مجموع

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۶- متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته در پژوهش محافظه‌کاری حسابداری است. برای این منظور از معیار گیولی و هاین استفاده می‌شود. انگیزه انتخاب آن این بوده است که الف) مدل‌های موجود برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از جمله مدل باسو که در برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی به طور گسترده از آن استفاده شده است، در اندازه‌گیری محافظه‌کاری با خطای زیادی مواجه است مثلاً مدل باسو فرض می‌کند که هرگاه بازده سهام منفی باشد این موضوع ناشی از محافظه‌کاری حسابداری است در حالی که در بازار سرمایه ایران، منفی شدن بازده سهام ناشی از اطلاعات غیرحسابداری است تا اطلاعات حسابداری؛ ب) اطلاعات مدل گیولی و هاین مبتنی بر اطلاعات حسابداری است و در آن از شاخص‌های بازار استفاده نمی‌شود؛ بنابراین با توجه به دسترسی اطلاعات صورت‌های مالی، برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری نهفته در صورت‌های مالی، این مدل نسبت به سایر مدل‌ها برای بازارهای در حال توسعه مانند بازار سرمایه ایران مناسب است (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۳).

(رابطه ۱)

$$CSCORE_{it} = \frac{AFCC}{TA} \times (-1)$$

$CSCORE_{it}$: درجه محافظه‌کاری؛ $AFCC$: اقلام تعهدی عملیاتی (تفاوت سود خالص و جریان نقدی عملیاتی بعلاوه هزینه استهلاک)؛ TA : ارزش دفتری دارایی‌ها
متغیرهای مستقل در این پژوهش به شرح زیر هستند:
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری: از حاصل نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود (کردستانی و حدادی، ۱۳۸۸).

اندازه شرکت: از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها حاصل می‌شود (اعتمادی و دهکردی، ۱۳۹۱).
اهرم مالی: از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها بدست می‌آید (اسدی و بیات، ۱۳۹۴).
فرصت رشد: از نسبت تفاضل مبلغ فروش سال جاری و سال قبل بر مبلغ فروش سال قبل حاصل می‌شود.

پاداش هیئت‌مدیره: این متغیر از طریق لگاریتم طبیعی مبلغ پاداش مدیریت که در صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی آن وجود دارد، اندازه‌گیری می‌شود (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۳).
اجتناب مالیاتی: برای اندازه‌گیری این متغیر از معیار نرخ مؤثر مالیاتی که از نسبت هزینه مالیاتی بر سود قبل از کسر مالیات محاسبه می‌شود، استفاده گردید (صفری و پودینه، ۱۳۹۵).

جریان نقدی آزاد: در این پژوهش از مدل لن و پلسن (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری جریان‌های نقدی آزاد استفاده شده است که از طریق مدل ۲ قابل محاسبه است (مهرانی و آطاهریان، ۱۳۹۲):

(رابطه ۲)

$$FCF_{it} = (INC_{it} - TAX_{it} - INTEP_{it} - CSDIV_{it}) / TA_{it-1}$$

FCF_{it} : جریان نقدی آزاد؛ INC_{it} : سود عملیاتی قبل از استهلاک؛ TAX_{it} : مالیات پرداختی؛ $INTEP_{it}$: هزینه بهره؛ $CSDIV_{it}$: سود سهامداران عادی پرداختی؛ TA_{it-1} : ارزش دفتری دارایی‌های ابتدای دوره.

بیش اطمینانی مدیریت: با توجه به این که شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باید سود پیش‌بینی شده خود را افشا کنند، در این پژوهش از این معیار برای محاسبه بیش اطمینانی مدیریت استفاده شده است. به طوری که اگر مدیران، سود پیش‌بینی شده را بیشتر از سود واقعی اعلام کرده باشند، دچار بیش‌اطمینانی هستند. به عبارتی در این حالت عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر قرار می‌دهیم. (دشماخ و همکاران، ۲۰۱۳؛ مشایخ و بهزادپور، ۱۳۹۳).

هزینه سرمایه: هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام بر اساس مدل الگوی گوردون محاسبه می‌شود. در این الگو هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام (نرخ بازده مورد انتظار سهام‌داران) به شرح رابطه ۳ محاسبه می‌شود (گوردون، ۱۹۹۷):

(رابطه ۳)

$$K_e = (D_1/P_0) + g$$

K_e : نرخ بازده مورد انتظار سهام‌داران؛ D_1 : سود سهام مورد انتظار سال آتی؛ P_0 : قیمت سهم در ابتدای سال و g : نرخ رشد مورد انتظار است.

خطای پیش‌بینی سود: به پیروی از فیرت و اسمیت (۱۹۹۲) و گونوپولوس (۲۰۰۴) و نمازی و شمس‌الدینی (۱۳۸۶) به این طریق محاسبه می‌شود: تفاوت سود یا زیان پیش‌بینی شده از سود یا زیان واقعی تقسیم بر قدر مطلق سود یا زیان پیش‌بینی شده؛ البته از آنجا که شرکت‌های زیان‌ده از نمونه‌ی تحقیق حذف شده‌اند زیان در این مورد مصداق ندارد.

راهبری شرکتی: معیارهای حاکمیت شرکتی در این پژوهش متغیرهای مستقل هستند (مرادزاده فرد و همکاران، ۱۳۹۰).

اندازه هیئت‌مدیره: این متغیر از طریق لگاریتم طبیعی تعداد اعضای هیئت‌مدیره محاسبه می‌شود. دوره تصدی مدیر عامل: از لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که یک نفر مدیرعامل شرکت است محاسبه می‌شود.

نسبت اعضای غیرموظف: این متغیر از طریق نسبت تعداد اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت‌مدیره محاسبه می‌شود.

سهامداران نهادی: منظور از سهامداران نهادی، سهامداران حقوقی می‌باشند که واسطه بین افراد و شرکت‌ها بوده و از طرف افراد اقدام به تهیه‌ی پرتفوی سهام می‌نمایند. این متغیر از طریق درصد کل سهام تملک شده توسط سهامداران نهادی به کل سهام سرمایه‌اندازه‌گیری می‌شود.

کیفیت افشا: شاخص کیفیت در پژوهش فوق، امتیازهای تعلق گرفته به هر شرکت است که توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و از طریق اطلاعیه‌ی رتبه‌بندی شرکت‌ها از نظر کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب منتشر می‌شود. امتیاز اطلاع‌رسانی ناشران بر اساس زمان ارائه‌ی اطلاعات مربوط به پیش‌بینی سود هر سهم، صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای سه، شش و نه ماهه، اظهار نظر حسابرس نسبت به پیش‌بینی سود اولیه‌ی هر سهم و شش ماهه محاسبه شده است. مزایا و دلایل استفاده از این معیار سنجش کیفیت افشا عبارتند از:

(۱) امتیازهای کیفیت افشای شرکت‌ها توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و بر اساس شاخص‌های دقیق و عینی مانند زمان ارائه‌ی اطلاعات مربوط و تفاوت پیش‌بینی‌ها با نتایج

واقعی محاسبه شده است؛ بنابراین معیار مورد استفاده از عینیت و قابلیت اتکای کافی برخوردار است.

۲) بر خلاف بیشتر پژوهش‌های صورت پذیرفته در زمینه‌ی کیفیت افشا در بورس اوراق بهادار تهران، معیار یاد شده فقط به کمیت افشا توجه نمی‌کند و معیارهای به‌موقع بودن و قابلیت اتکای اطلاعات افشا شده را نیز مد نظر قرار می‌دهد (ستایش و همکاران، ۱۳۹۱؛ خدای‌پور و بزرایی، ۱۳۹۲).

کیفیت حسابرسی: اگر سازمان حسابرسی رسیدگی واحد انتفاعی را عهده‌دار باشد از عدد یک و در غیر این صورت از صفر استفاده شد (چناری و حاجیها، ۱۳۹۸).

مدیریت سود: برای این منظور از مدل تعدیل شده جونز استفاده کردیم. مدل به صورت رابطه ۴ است:

(رابطه ۴)

$$TACC_{it} = \beta_0 + \beta_1 1/TA_{it-1} + \beta_2 (\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}) + \beta_3 PPE_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$TACC_{it} = (\Delta CA_{it} - \Delta Cash_{it}) - (\Delta CL_{it} - \Delta STD_{it})$$

در این مدل:

$TACC_{it}$: کل اقلام تعهدی؛ TA_{it-1} : کل دارایی‌های ابتدای دوره؛ ΔREV_{it} : تغییرات کل درآمد فروش سال جاری نسبت به سال قبل؛ ΔREC_{it} : تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل؛ PPE_{it} : جمع دارایی‌های ثابت به صورت ناخالص؛ ε_{it} : مقادیر خطای مدل؛ ΔCA_{it} : تغییرات دارایی‌های جاری؛ $\Delta Cash_{it}$: تغییرات مانده وجوه نقد؛ ΔCL_{it} : تغییرات بدهی‌های جاری؛ ΔSTD_{it} : تغییرات حصة جاری بدهی‌های بلندمدت.

با توجه به متغیرهای پژوهش مدل ریاضی پژوهش به شرح رابطه ۵ است:

(رابطه ۵)

$$Conservatism_{it} = \beta_0 + \beta_1 Market\ Value/Book\ Value_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Capital\ Structure_{it} + \beta_4 Sales\ growth_{it} + \beta_5 CEO\ Compensation_{it} + \beta_6 Tax\ avoidance_{it} + \beta_7 Free\ Cash\ Flow_{it} + \beta_8 CEO\ Overconfidence_{it} + \beta_9 Cost\ of\ Equity_{it} + \beta_{10} Management\ Earnings\ Forecast\ Error_{it} + \beta_{11} CEO\ Size_{it} + \beta_{12} CEO\ Tenure_{it} + \beta_{13} Ratio\ of\ non-performing\ members_{it} + \beta_{14} Institutional\ Owners_{it} + \beta_{15} Disclosure\ Quality_{it} + \beta_{16} Auditing\ quality_{it} + \beta_{17} Earnings\ Management_{it} + \varepsilon_i$$

۷- توصیف متغیرهای پژوهش

در جدول ۳ توصیف متغیرهای پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرها

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی
شماره ۴۷/ پائیز ۱۳۹۹

نام متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی
محافظة کاری	-۰/۰۰۲۱	-۰/۰۰۷۸	۰/۱۳۷	۱/۶۰۶
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۲/۰۹۸	۱/۸۵۶	۶/۲۶۳	-۴/۴۹۷
اندازه شرکت	۱۴/۰۸۲	۱۳/۸۳۷	۱/۵۸۲۴	۰/۸۱۴۳
اهرم مالی	۰/۶۲۳	۰/۶۱۸	۰/۲۴۷	۳/۰۶۷
رشد فروش	۰/۱۹۴	۰/۱۳۶	۰/۵۲۸	۷/۳۳۸
پاداش هیئت‌مدیره	۵/۱۴۵	۶/۶۵۹	۳/۲۱	-۰/۸۴۳
اجتناب مالیاتی	۰/۱۱۰	۰/۱۱۹	۰/۰۹۱۳	۰/۲۴۴
جریان نقدی آزاد	۰/۰۶۳	۰/۰۵۱	۰/۱۳۸	۰/۹۰۳
بیش‌اطمینانی مدیریت	۰/۵۳۳	۱	۰/۴۹۹	-۰/۱۳۴
هزینه سرمایه	۰/۳۱۵	۰/۲۶۵	۰/۳۸۲	۱/۵۲۶
خطای پیش‌بینی سود	۱/۵۳۱	۰/۰۶۳	۳۱/۲۳۵	۲۱/۰۰۴۹
اندازه هیئت‌مدیره	۵/۰۱۸	۵	۰/۲۲۵	۶/۴۶۷
دوره تصدی مدیر عامل	۳/۷۳۰	۳	۳/۰۴۹	۱/۵۱۴
نسبت اعضای غیرموظف	۰/۶۶۵	۰/۶	۰/۱۹۱	-۰/۴۲۱
سهامداران نهادی	۰/۶۱۷	۰/۷۲۵	۰/۳۱۷	-۰/۸۱۷
کیفیت افشا	۶۸/۴۳۴	۷۰/۰۰۰	۲۱/۸۶۶	-۰/۸۱۷
کیفیت حسابرسی	۰/۲۲۴	۰	۰/۴۱۷	۱/۳۱۸
مدیریت سود	۰/۰۰۴۶	۰/۰۰۰۵	۰/۱۵۴	۰/۳۱۶

منبع: یافته‌های پژوهشگر

میانگین محافظه‌کاری محاسبه شده برای شرکت‌های مورد مطالعه بیان‌گر این است که اقدام به محافظه‌کاری از سوی شرکت‌ها کم‌تر است و شرکت‌ها تمایل کم‌تری به گزارشگری محافظه‌کارانه دارند. میانگین اهرم مالی محاسبه شده نشان از تعهدات بالای شرکت‌ها را دارد. میانگین محاسبه شده برای رشد فروش بیان می‌کند که روند رو به رشد در شرکت‌های مورد مطالعه سریع نیست. میانگین محاسبه شده برای کیفیت افشا نشان از امتیاز قابل قبولی برای سنج‌های افشا از سوی شرکت‌ها را دارد. متوسط تعداد اعضای هیئت‌مدیره پنج نفر و دوره تصدی مدیرعامل در حدود سه سال است. میانگین محاسبه شده برای متغیرهای استقلال اعضای هیئت‌مدیره و مالکان نهادی نشان از نظارت بیشتر بر فعالیتهای شرکت‌ها است. مقادیر انحراف معیار و چولگی محاسبه شده برای متغیرها نشان از توزیع متقارن داده‌ها و نزدیکی به توزیع نرمال است.

۸- بررسی مفروضات کلاسیک

قبل از ارائه نتایج یافته‌ها لازم است فروض کلاسیک رگرسیون به شرح زیر بررسی شوند:

الف- آزمون عدم وجود خودهمبستگی: به منظور بررسی استقلال خطاها از یکدیگر از آماره دوربین و واتسون استفاده شده است. آماره دوربین - واتسون محاسبه و گزارش شده ذیل جدول ۴ به میزان (۱/۵۲۴) که بین ۲/۵-۱/۵ می باشد بیان گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده‌های اجزای خطا را نشان می دهد.

ب- آزمون هم خطی متغیرهای پژوهش: برای بررسی وجود داشتن یا نداشتن هم خطی میان متغیرهای پژوهش از عامل تورم واریانس استفاده شده است. آماره هم خطی گزارش شده در جدول ۴ (کم تر از ۵) نشان از عدم وجود هم خطی در تخمین رگرسیون مدل پژوهش است.

پ- آزمون ناهمسانی واریانس: به منظور بررسی همسانی واریانسها از آزمون بروش پاگان استفاده گردید. با توجه به یافته‌های حاصل از آزمون ثابت بودن واریانس جمله خطا (پسماندها) گزارش شده ذیل جدول ۴ که سطح معنی داری مربوطه بیشتر از ۵٪ است، فرض صفر مبنی بر ثابت بودن واریانس پسماندها پذیرفته می شود.

ت- آزمون پایایی متغیرهای پژوهش: آزمون پایایی بر اساس آزمون ریشه واحد برای متغیرهای پژوهش در جدول ۴ ارائه گردیده است:

جدول ۴. آزمون پایایی متغیرهای پژوهش

نام آزمون	نام متغیر	آماره آزمون	سطح معنی داری
ریشه واحد	محافظه کاری	-۲۹/۳۲۶۶۴	۰/۰۰۰۰
	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	-۳۳/۸۸۵۱۰	۰/۰۰۰۰
	اندازه شرکت	-۹/۶۱۸۴۶۵	۰/۰۰۰۰
	ساختار سرمایه	-۱۶/۰۲۳۶۹	۰/۰۰۰۰
	رشد فروش	-۴۰/۸۷۷۴۹	۰/۰۰۰۰
	پاداش هیئت مدیره	-۱۴/۵۶۶۲۱	۰/۰۰۰۰
	اجتناب مالیاتی	-۱۵/۶۸۹۶۹	۰/۰۰۰۰
	جریان نقدی آزاد	-۲۴/۱۸۷۸۰	۰/۰۰۰۰
	بیش اطمینانی مدیریت	-۳۳/۲۰۶۱۵	۰/۰۰۰۰
	هزینه سرمایه	-۱۲/۵۰۷۴۸	۰/۰۰۰۰
	خطای پیش بینی سود	-۱۸/۹۸۵۲۱	۰/۰۰۰۰
	اندازه هیئت مدیره	-۱۴/۸۳۷۵۴	۰/۰۰۰۰

نام آزمون	نام متغیر	آماره آزمون	سطح معنی‌داری
	دوره تصدی مدیر عامل	-۱۵/۸۵۵۸۰	۰/۰۰۰۰
	نسبت اعضای غیرموظف	-۱۶/۸۰۵۹۷	۰/۰۰۰۰
	سهامداران نهادی	-۸/۵۳۱۶۲۸	۰/۰۰۰۰
	کیفیت افشا	-۱۷/۰۶۱۱۲	۰/۰۰۰۰
	کیفیت حسابرسی	-۱۲/۵۶۹۴۰	۰/۰۰۰۰
	مدیریت سود	-۳۵/۶۵۲۲۸	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مطابق یافته حاصل از آزمون پایایی، به دلیل این که سطح معنی‌داری کمتر از ۵٪ است، می‌توان گفت این متغیرها طی دوره پژوهش در سطح پایا بوده است. پایایی بدین معنی است که میانگین و واریانس (پراکندگی) متغیرهای پژوهش در طول زمان ثابت بوده است.

۹- آزمون مدل پژوهش

یافته‌های حاصل از آزمون مدل پژوهش به شرح جدول ۵ است:

جدول ۵. نتایج حاصل از آزمون مدل پژوهش

نام متغیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره تی	سطح معنی‌داری	آماره هم خطی
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۰۰۰۸۷۴	۰/۰۰۰۵۸۴	۱/۴۹۴۶۳۵	۰/۱۳۵۲	۱/۰۱۵۷۴۹
اندازه شرکت	۰/۰۰۶۲۴۸	۰/۰۰۰۲۳۰۹	۲/۷۰۵۳۰۶	۰/۰۰۶۹	۱/۳۳۲۹۵۳
ساختار سرمایه	۰/۱۰۸۵۹۴	۰/۰۱۴۵۴۰	۷/۴۶۸۴۱۳	۰/۰۰۰۰	۱/۸۸۴۴۹۳
رشد فروش	-۰/۰۰۵۷۵۸	۰/۰۰۶۹۲۸	-۰/۸۳۱۱۶۰	۰/۴۰۶۰	۱/۱۵۸۴۳۶
پاداش هیئت‌مدیره	-۰/۰۰۶۳۲۶	۰/۰۰۱۱۳۰	-۵/۶۰۰۸۷۰	۰/۰۰۰۰	۱/۹۳۸۰۳۲
اجتناب مالیاتی	-۰/۰۹۶۳۹۲	۰/۰۵۴۱۱۱	-۱/۷۸۱۳۷۲	۰/۰۷۵۱	۱/۴۱۰۶۳۱
جریان نقدی آزاد	-۰/۱۲۴۶۸۴	۰/۰۲۶۳۰۱	-۴/۷۴۰۷۲۱	۰/۰۰۰۰	۱/۸۶۸۰۰۲
بیش‌اطمینانی مدیریت	۰/۰۲۲۲۳۹	۰/۰۰۷۳۱۷	۳/۰۳۹۴۳۷	۰/۰۰۲۴	۱/۲۲۴۳۲۲
هزینه سرمایه	-۰/۰۶۵۳۱۴	۰/۰۰۹۴۲۲	-۶/۹۳۲۱۱۳	۰/۰۰۰۰	۲/۳۵۶۹۰۷
خطای پیش‌بینی سود	۱/۱۳E-۰۵	۰/۰۰۰۱۱۷	۰/۰۹۶۰۸۱	۰/۹۲۳۵	۱/۰۶۲۷۶۱
اندازه هیئت‌مدیره	۰/۰۰۵۱۶۰	۰/۰۲۱۲۵۶	۰/۲۴۲۷۶۳	۰/۸۰۸۲	۱/۰۴۷۶۳۷
دوره تصدی مدیر عامل	-۰/۰۰۰۴۰۹	۰/۰۰۱۵۹۰	-۰/۲۵۷۵۲۶	۰/۷۹۶۸	۱/۰۹۹۶۶۱
نسبت اعضای غیرموظف	-۰/۰۵۶۸۸۹	۰/۰۲۷۱۴۷	-۲/۰۹۵۵۹۳	۰/۰۳۶۳	۱/۰۶۹۷۴۰

نام متغیر	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره تی	سطح معنی‌داری	آماره هم خطی
سهامداران نهادی	۰/۰۰۰۱۶۷	۰/۰۰۰۳۵۱	۰/۴۷۷۲۹۳	۰/۶۳۳۲	۱/۶۶۵۵۲
کیفیت افشا	-۰/۰۰۰۷۱۴	۰/۰۰۰۱۶۶	-۴/۲۸۸۲۷۹	۰/۰۰۰۰	۱/۲۹۴۶۴۹
کیفیت حسابرسی	۰/۰۰۱۷۴۳	۰/۰۱۵۴۵۶	۰/۱۱۲۷۸۹	۰/۹۱۰۲	۱/۸۹۵۸۷
مدیریت سود	۰/۰۹۱۸۲۰	۰/۰۲۴۱۰۶	۳/۸۰۸۹۶۹	۰/۰۰۰۱	۱/۲۹۰۴۲۰
مقدار ثابت	-۰/۱۷۴۹۷۸	۰/۰۸۴۹۸۰	-۲/۰۵۹۰۵۵	۰/۰۳۹۷	-
ضریب تعیین: ۰/۱۶۹۳۴۲	آماره F: ۶/۶۶۶۳۰۱ (۰/۰۰۰۰)	آماره دوربین واتسون: ۱/۵۲۴۶۰۸	آماره اف لیمر: ۲/۲۵۵۵۵۳ (۰/۰۰۰۰)	آماره هاسمن: ۲۵۵/۶۹۰۹۴۷ (۰/۰۰۰۰)	آماره ناهمسانی واریانس: ۱/۷۷۹۴۱۸ (۰/۱۸۲۵)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

سطح معنی‌داری برای تک تک متغیرها و هم‌چنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می‌توان ادعا کرد که ۱۶/۹۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته فرضیه پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترل توضیح داده می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره دوربین-واتسون می‌توان جهت تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره دوربین-واتسون محاسبه شده (۱/۵۲۴) که بین ۲/۵-۱/۵ می‌باشد بیان‌گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی‌مانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آماره t برای متغیرهای اندازه شرکت، ساختار سرمایه، پاداش هیئت‌مدیره، جریان نقدی آزاد، بیش اطمینانی مدیریت، هزینه سرمایه، نسبت اعضای غیرموظف، کیفیت افشا، مدیریت سود از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر است، بنابراین وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرهای فوق و محافظه‌کاری تأیید می‌شود. با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون اف لیمر مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی بوده بنابراین استفاده از روش داده‌های تابلویی برای مدل فرضیه پژوهش مناسب است. با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون هاسمن، تفاوت در ضرایب نظام‌مند است؛ بنابراین استفاده از روش اثرات ثابت بر روش تصادفی ارجح است. با توجه به یافته‌های حاصل از آزمون ثابت بودن واریانس جمله‌ی خطا (پسماندها) که سطح معنی‌داری مربوطه بیشتر از ۵٪ است، فرض صفر مبنی بر ثابت بودن واریانس پسماندها پذیرفته می‌شود.

بعد از مشخص شدن عوامل تأثیرگذار معنی‌دار بر محافظه‌کاری، اقدام به مقایسه عوامل مؤثر با توجه به ضرایب می‌کنیم. برای این منظور در مدل از قدر مطلق ضرایب استفاده می‌کنیم. با توجه به ضرایب محاسبه شده در جدول ۴ مدل پیشنهادی پژوهش به ترتیب تأثیرگذاری به شرح رابطه ۶ است:

(رابطه ۶)

$$\text{Conservatism}_{it} = \beta_0 - 0.124684 \text{ Free Cash Flow}_{it} + 0.108594 \text{ Financial Leverage}_{it} + 0.091820 \text{ Earnings Management}_{it} - 0.065314 \text{ Cost of Capital}_{it} - 0.056889 \text{ Board Independent}_{it} + 0.022239 \text{ Over confidence Management}_{it} - 0.006326 \text{ CEO Compensation}_{it} + 0.006248 \text{ Size}_{it} - 0.000714 \text{ Disclosure Quality}_{it} + \varepsilon_{it}$$

۱۰- بحث و نتیجه‌گیری

واتز و زیمرمن (۱۹۸۶) در تعریف محافظه‌کاری چنین نوشته‌اند: محافظه‌کاری یعنی این‌که حسابدار باید از بین ارزش‌های ممکن بر دارایی‌ها، کم‌ترین و برای بدهی‌ها بیشترین ارزش را گزارش کند. درآمدها باید دیرتر شناسایی شوند نه زودتر و هزینه‌ها باید زودتر شناسایی شوند نه دیرتر. محافظه‌کاری علی‌رغم انتقادهای فراوان بر آن همواره جایگاه خود را در میان سایر اصول حسابداری حفظ نموده و می‌توان از آن به عنوان مکانیسمی نام برد که اگر به درستی اعمال شود، منجر به حل بسیاری از مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی خواهد شد که به طور کلی از شکاف روزافزون بین مدیران و تأمین‌کنندگان منابع مالی واحدهای تجاری ناشی می‌شود (کردستانی و لنگرودی، ۱۳۸۷). مدیرعامل به عنوان مسئول تهیه صورت‌های مالی با احاطه کامل بر وضعیت مالی شرکت و با برخورداری از سطح آگاهی بیشتر نسبت به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، به طور بالقوه سعی دارند که تصویر واحد تجاری را مطلوب جلوه داده و انگیزه تزریق سرمایه و منابع مالی از طریق افراد برون‌سازمانی به شرکت را افزایش دهند. در چنین شرایطی اصول و رویه‌های حسابداری به پشتوانه مراجع تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری، با هدف متعادل کردن خوش‌بینی مدیران، حمایت از حقوق ذی‌نفعان و ارائه منصفانه صورت‌های مالی، مفهوم محافظه‌کاری را به کار می‌برند.

به عقیده باسو، نفوذ محافظه‌کاری بر رویه‌های حسابداری حداقل ۲۰۰ سال قدمت دارد. استرلینگ محافظه‌کاری را پرنفوذترین اصل ارزشیابی در حسابداری می‌داند (واتز، ۲۰۰۳). برخی از فواید محافظه‌کاری در گزارشگری مالی را می‌توان این‌گونه بیان کرد، محافظه‌کاری احتمال پاداش اضافی به مدیران را از طریق جلوگیری از اظهار بیش از حد دارایی‌ها و سود، کاهش می‌دهد (همان مأخذ). محافظه‌کاری نشانه‌هایی را برای مدیران می‌فرستد که از طریق آن پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی را سریع‌تر شناسایی و اقدامات مفیدی را برای محدود کردن زیان‌ها داشته باشند

(بال و شیواکومار، ۲۰۰۵). محافظه‌کاری به عنوان یک عامل کاهنده انگیزه مدیریت برای شرکت در پروژه‌های با خالص ارزش فعلی منفی می‌باشد (بال، ۲۰۰۱؛ واتز، ۲۰۰۳). هدف این پژوهش تبیین الگوی محافظه‌کاری و تعیین اولویت عوامل مؤثر در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نتایج حاصل از آزمون مدل پژوهش بیان‌گر آن است که با توجه به این که سطح معنی‌داری آماره محاسبه شده برای متغیرهای اندازه شرکت، ساختار سرمایه، پاداش هیئت‌مدیره، جریان نقدی آزاد، بیش اطمینانی مدیریت، هزینه سرمایه، نسبت اعضای غیرموظف، کیفیت افشا، مدیریت سود از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر است، بنابراین وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرهای فوق و محافظه‌کاری تأیید می‌شود. به عبارتی بین اندازه شرکت و محافظه‌کاری ارتباطی مستقیم و معنی‌دار وجود دارد که مطابق با نتیجه پژوهش احمد و همکاران (۲۰۰۲) فرضیه هزینه سیاسی است؛ با توجه به این که در شرکت‌های بزرگ‌تر، مدیریت توانایی بیشتری در هموارسازی سود دارد که این امر باعث می‌شود ارزش فعلی بدهی مالیاتی در این شرکت‌ها کاهش یابد، بنابراین پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران در فرآیندهای تصمیم‌گیری در رابطه با سرمایه‌گذاری خود به ابعاد مختلف کیفیت اطلاعات حسابداری از جمله محافظه‌کاری توجه ویژه‌ای داشته باشند.

بین اهرم مالی و محافظه‌کاری ارتباطی مستقیم و معنی‌دار وجود دارد که مغایر با پژوهش برادران و بهشتی (۱۳۹۴) و مطابق با فرضیه بدهی است؛ با توجه به این که شرکت‌های با درجه اهرم مالی بالا، دارای تعارض‌های نمایندگی بین اعتباردهندگان و سهامداران هستند بنابراین امکان وجود تقاضای قراردادی بالاتری برای محافظه‌کاری از طرف این شرکت‌ها وجود دارد و بنابراین پیشنهاد می‌شود ذی‌نفعان باید موقع اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری میزان تعهدات و اهرم مالی و تأثیر آن بر میزان محافظه‌کاری اطلاعات ارائه شده توسط واحدهای انتفاعی را مدنظر قرار دهند. بین پاداش هیئت‌مدیره و محافظه‌کاری ارتباطی معکوس و معنی‌دار وجود دارد که مطابق با پژوهش آتاماسا و همکاران (۲۰۱۲) و بنی مهد و همکاران (۱۳۹۳) مطابق و مغایر با فرضیه پاداش مدیریت است؛ با توجه به این که محافظه‌کاری توانایی مدیران را در استفاده از اطلاعات برای بیش‌نمایی سود، ایجاد چنین انتقال ثروتی و زیان‌های ناشی از این فرآیند، می‌کاهد بنابراین پیشنهاد می‌شود توجه مراجع تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری به تدوین استانداردهای حسابداری محافظه‌کارانه برای کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه از جمله پرداخت پاداش بیشتر جلب می‌نماید. بین جریان نقدی آزاد و محافظه‌کاری ارتباطی معکوس و معنی‌دار وجود دارد که با پژوهش لافوند و روی چادهاری (۲۰۰۸) و مهرانی و آطاهریان (۱۳۹۲) از نظر معنی‌داری مطابق ولی از نظر جهت علامت مغایر و مطابق با فرضیه هزینه‌های نمایندگی ناشی از جریان نقدی آزاد جنسن است؛ اگر سهامداران از مزایای محافظه‌کاری مطلع باشند، آن‌ها احتمالاً در زمان وجود

هزینه‌های نمایندگی ناشی از جریان‌های نقدی آزاد، تقاضای گزارشگری محافظه‌کارانه‌تری را می‌نمایند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود ذی‌نفعان جریان نقد آزاد را به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر واکنش سریع‌تر سود به اخبار بد نسبت به اخبار خوب، مد نظر قرار دهند.

بین بیش‌اطمینانی مدیریت و محافظه‌کاری ارتباطی مستقیم و معنی‌دار وجود دارد که با نتیجه پژوهش احمد و دوئل‌مان (۲۰۱۳)، رامشه و ملانظری (۱۳۹۳) از نظر معنی‌داری مطابق ولی از نظر جهت علامت مغایر و هم‌چنین مغایر با تئوری تفسیری قراردادی است؛ مدیران بیش‌اطمینان، بازده‌های آینده پروژه‌های شرکت را بیش برآورد می‌کنند؛ بنابراین ممکن است احتمال و بزرگی شوک‌های مثبت به جریان‌های نقدی آینده حاصل از پروژه‌های فعلی را بیش برآورد و شوک‌های منفی در جریان‌های نقدی را کم برآورد کنند. لذا به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود در هنگام اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود به رابطه متغیرهای بیش‌اطمینانی و محافظه‌کاری شرکت توجه نمایند. بین هزینه سرمایه و محافظه‌کاری ارتباطی معکوس و معنی‌دار وجود دارد که با نتیجه پژوهش لارا و همکاران (۲۰۰۷) مطابق و با نتایج کردستانی و حدادی (۱۳۸۸) از نظر معنی‌داری مطابق ولی از نظر جهت علامت مغایر و مطابق با فرضیه ناقزینگی اطلاعاتی است؛ در یک حالت تعادلی، مقدار کیفیت اطلاعات بر قیمت‌دارایی‌ها تأثیر می‌گذارد و سرمایه‌گذاران بازده بالاتری را برای نگهداری سهام خود در شرایط وجود عدم تقارن اطلاعاتی مطالبه می‌کنند. مدیران شرکت‌ها می‌توانند با توجه به میزان بازده مورد انتظار سهامداران، درجات مختلفی از محافظه‌کاری در تهیه صورت‌های مالی را به کار گیرند تا برای تأمین مالی هزینه سرمایه کمتری را متحمل شوند. بین نسبت مدیران غیرموظف (استقلال هیئت‌مدیره) و محافظه‌کاری ارتباطی معکوس و معنی‌دار وجود دارد که با نتیجه پژوهش احمد و دوئل‌مان (۲۰۰۷)، روزلیندا (۲۰۰۹)، مرادزاده و همکاران (۱۳۹۰) از نظر معنی‌داری مطابق ولی از نظر جهت علامت مغایر و مطابق با فرضیه نظارت است؛ بر اساس این دیدگاه، نظارت بهتر توسط مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی منجر به محافظه‌کاری بیشتر در صورت‌های مالی برای اطمینان از صحت اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی و اطمینان از عدم انجام اقدامات یکجانبه مدیریت به نفع خویش می‌گردد و بنابراین پیشنهاد می‌شود ذی‌نفعان باید موقع اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری میزان استقلال هیئت‌مدیره و تأثیر آن بر میزان محافظه‌کاری اطلاعات ارائه شده توسط واحدهای انتفاعی را مدنظر قرار دهند. بین کیفیت افشا و محافظه‌کاری ارتباطی معکوس و معنی‌دار وجود دارد که مطابق با نتیجه پژوهش ایتزیدز (۲۰۱۱)، رحیمیان و ابراهیمی (۱۳۹۲) و فرضیه ناقزینگی اطلاعاتی است؛ به احتمال زیاد شرکت‌های دارای افشای حسابداری با کیفیت پایین به اعمال محافظه‌کاری به منظور پیشبرد اهداف مدیریتی خود دست می‌زنند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران به رتبه کیفیت افشا به عنوان

معیاری برای سنجش کیفیت اطلاعات (اعمال محافظه‌کاری) توجه کنند و بر این اساس تصمیم‌های خود را اتخاذ کنند زیرا شرکت‌های با رتبه کیفیت افشای بالاتر، ریسک اطلاعاتی آن‌ها پایین‌تر و عدم تقارن اطلاعاتی آن‌ها کمتر است. بین مدیریت سود و محافظه‌کاری ارتباطی مستقیم و معنی‌دار وجود دارد که مطابق با پژوهش لارا و همکاران (۲۰۰۵) و اعتمادی و فرج زاده (۱۳۹۱) و تئوری اثباتی حسابداری است. از بعد سازمانی مدیران دارای انگیزه هستند که برای اهداف مالیاتی، عدم پرداخت سود سهام و سایر عوامل، سود را مدیریت کنند. به منظور بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به گزارش‌های مالی شرکت‌ها، به سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی پیشنهاد می‌شود الزامات گزارشگری مالی و افشا به نحوی تدوین گردد که امکان استفاده از ابزارهای گزارشگری مالی برای دست‌کاری ارقام حسابداری، حداقل شود. در این پژوهش برای محافظه‌کاری از معیار گیولی و هاین (۲۰۰۰) استفاده گردید.



فهرست منابع

- ۱) اسدی، غلامحسین و مرتضی بیات، (۱۳۹۳)، "تأثیر محافظه‌کاری بر پیش‌بینی‌های مدیریت از سود"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۱۹-۳۸.
- ۲) اعتمادی، حسین، ایرج نوروش، عادل آذر و حسن سراجی، (۱۳۸۹)، "طراحی و تبیین مدل پیش‌بینی محافظه‌کاری حسابداری با تأکید بر ارتباط آن با میانگین موزون هزینه سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۲۵-۶.
- ۳) اعتمادی، حسین و حسن فرج زاده، (۱۳۹۱)، "تأثیر مدیریت سود و ساختار سرمایه بر محافظه‌کاری سود"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۱۱۴-۱۲۷.
- ۴) انصاری، عبدالمهدی، مصطفی دری سده و علی شیرزاد، (۱۳۹۲)، "بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، مدیریت واقعی سود و سطح کلی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، حسابداری مدیریت، سال ۶، شماره ۱۹، صص ۷۸-۶۱.
- ۵) برادران حسن زاده، رسول و رضا بهشتی نهند، (۱۳۹۴)، "تأثیر ساختار سرمایه بر محافظه‌کاری غیرشرطی و هزینه‌های نمایندگی"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال ۷، شماره ۲۸، صص ۴۱-۵۷.
- ۶) بنی‌مهد، بهمن، مهدی مرادزاده فرد و محمدجعفر ولیخانی، (۱۳۹۳)، "محافظه‌کاری حسابداری و پاداش مدیریت"، حسابداری مدیریت، سال ۷، شماره ۲۲، صص ۲۱-۳۴.
- ۷) تاری‌وردی، یداله، احمد امامی و حسین بدیعی، (۱۳۹۵)، "تأثیر نظام راهبری شرکتی بر محافظه‌کاری حسابداری"، مجله اقتصادی، شماره‌های ۷ و ۸، صص ۹۲-۷۹.
- ۸) چناری، حسن و زهره حاجیها، (۱۳۹۸)، "مطالعه تأثیر نقدشوندگی بر پاداش هیئت‌مدیره با تأکید بر کیفیت حسابرسی"، دانش حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۷۵، صص ۱۸۷-۲۰۲.
- ۹) حریری، نجلا، (۱۳۸۵)، "اصول و روش‌های پژوهش کیفی"، چاپ اول، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۰) خدای پور، احمد، حجت حسینی نسب و افشین اشتریان، (۱۳۹۷)، "تأثیر محافظه‌کاری حسابداری و مالکیت سهام‌داران نهادی بر مدیریت سود با استفاده از قانون بنفورد"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال دهم، شماره ۳۹، صص ۱-۲۷.
- ۱۱) خدای پور، احمد و یونس بزرایی، (۱۳۹۲)، "بررسی رابطه رقابت بازار محصول با ساختار هیئت‌مدیره و کیفیت افشا"، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۵۱-۶۶.

- (۱۲) رحیمیان، نظام‌الدین و مهدی ابراهیمی، (۱۳۹۲)، "رابطه بین کیفیت افشا و محافظه‌کاری در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌های تجربی در حسابداری، سال ۲، شماره ۸، صص ۱۹-۱.
- (۱۳) زنجیردار، مجید و زهرا رفیعی، (۱۳۹۶)، "تأثیر ضریب واکنش سود بر روابط اعتماد بیش از حد مدیریت و محافظه‌کاری مشروط"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۹، شماره ۳۴، صص ۱۱۳-۱۳۵.
- (۱۴) رامش، منیژه و مهناز ملانظری، (۱۳۹۳)، "بیش اطمینانی مدیریت و محافظه‌کاری حسابداری"، دانش حسابداری، سال ۵، شماره ۱۶، صص ۷۹-۵۵.
- (۱۵) ستایش، محمد حسین، مصطفی کاظم‌نژاد و مهدی ذوالفقاری، (۱۳۹۰)، "بررسی تأثیر کیفیت افشا بر نقدشوندگی سهام و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال سوم، شماره ۳، صص ۷۴-۵۵.
- (۱۶) صفری گرایی، مهدی و شیوا پودینه، (۱۳۹۵)، "اجتناب مالیاتی و به موقع بودن اعلان سود: آزمون تجربی از بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهشنامه مالیات، شماره ۳۱، صص ۱۱۸-۱۰۱.
- (۱۷) کردستانی، غلامرضا و حبیب امیریگی لنگرودی، (۱۳۸۷)، "محافظه‌کاری در گزارشگری مالی: بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به عنوان دو معیار ارزیابی محافظه‌کاری"، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۲، صص ۱۰۶ - ۸۹.
- (۱۸) مشایخ، شهناز و زهرا نیکبخت، (۱۳۹۵)، "تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر حجم تأمین مالی شرکت‌ها"، پژوهش حسابداری، شماره ۲۰، صص ۵۹ - ۴۳.
- (۱۹) کردستانی، غلامرضا و مجید حدادی، (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه بین محافظه‌کاری در حسابداری و هزینه سرمایه"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۵۰-۲۳.
- (۲۰) مرادزاده فرد، مهدی، بهمن بنی‌مهد و مهدی دینداری یزدی، (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بین نظام راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری"، حسابداری مدیریت، سال ۴، شماره ۸، صص ۸۹-۱۰۲.
- (۲۱) ملکی، الهام‌السادات، سیدکاظم ابراهیمی و فاطمه جلالی، (۱۳۹۸)، "تأثیر چرخه عمر شرکت‌ها بر سطح محافظه‌کاری"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۱۱، شماره ۴۴، صص ۷۸-۵۹.
- (۲۲) مهران، ساسان و علی آطاهریان، (۱۳۹۲)، "محافظه‌کاری و جریان نقدی آزاد"، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال دوم، شماره ۵، صص ۸۳-۷۳.
- 23) Ahmed, A. S., & Duellman, S., (2011), "Evidence on the Role of Accounting Conservatism in Monitoring Managers Investment Decisions", *Accounting & Finance*, 51(1), PP. 609-633.

- 24) Ahmed, A. and Duellmann S. (2013), "Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism", *Journal of Accounting Research*. 51(1), PP. 1-30.
- 25) Ahmed, A. S., Billings, B. K., Morton, R. M. and Stanford-Harris, M. (2002), "The Role of Accounting Conservatism in Mitigating Bondholder-shareholder Conflicts over Dividend Policy and in Reducing Debt Costs", *The Accounting Review*, 77(4), PP. 867-890.
- 26) Ball, R. (2001), "Infrastructure Requirements of an Economically Efficient System of Public Financial Reporting and Disclosure", *Brookings-Wharton Papers on Financial Services*, PP. 127-169.
- 27) Ball, R., & Shivakumar, L. (2005), "Earnings Quality in UK Private Firms: Comparative Loss Recognition Timeliness", *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), PP. 83-128.
- 28) Basu, S. (1997), "The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness Earnings", *Journal of Accounting & Economics* 24, PP. 3-37.
- 29) Coppens, L., Peek, E. (2005), "An Analysis of Earnings Management by European Private Firms", *Journal of International Accounting Auditing and Taxation*, 14(1), PP. 1-17.
- 30) Donaldson, T. & Preston, L. E. (1995), "Stakeholders Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications", *Academy of Management Review*, 20(1), PP. 65-91.
- 31) Easley, D., Hvidkjaer, S., O'Hara, M., (2002), "Is Information Risk a Determinant of Asset Returns?", *Journal of Finance* 57(5), PP. 2185-2221.
- 32) Easley, D. and M. O'Hara, (2004), "Information and the Cost of Capital", *The Journal of Finance*, 59(4), PP. 1553-1583.
- 33) Financial Accounting Standards Board (FASB). (2010), "Statement of Financial Accounting Concepts", No. 8, Conceptual Framework for Financial Reporting, Norwalk, CT.
- 34) Firth, S., and Smith, A. (1992), "The Accuracy of Profits Forecasts in Initial Public Offerings Prospectuses", *Accounting and Business Research*, 22, PP. 239-347.
- 35) Freeman, R. E. (1984), "Strategic Management", A Stakeholder Approach. Pitman, Boston.
- 36) Freeman, R.E., Wicks, A.C. & Parmar, B. (2004), "Stakeholder Theory and the Corporate Objective Revisited", *Organization Science*, 15(3), PP. 364-369.
- 37) Friedman, A.L. & Miles, S. (2006), "Stakeholders" Oxford, UK, Oxford University Press.
- 38) Gigler, F., Kanodia, C., Sapiro, H., & Venugopalan, R. (2009), "Accounting Conservatism and the Efficiency of Debt Contracts", *Journal of Accounting Research*, 47(3), PP. 767-797.
- 39) Givoly, D. and Hayn, C. (2000), "The Changing Time-series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become more Conservative?", *Journal of Accounting and Economics*, 29(3), PP. 287-320.
- 40) Gounopoulos, D. (2004), "Accuracy of Management Earnings Forecasts in IPO Prospectuses: Evidence from Athens Stock Exchange", Working Paper, University of Surrey: United Kingdom.

- 41) Guay, W., & Verrecchia, R. (2006), "Discussion of an Economic Framework for Conservative Accounting and Bushman and Piotroski", *Journal of Accounting and Economics*, 42(1-2), PP. 149-165.
- 42) Hyung Ha, Joo, (2011), "Agency Costs of Free Cash Flow and Conditional Conservatism", Ph.D. Dissertation in accounting, Oklahoma State University, (presented at the American Accounting Association annual meeting proceedings in Denver in 2011).
- 43) Hendriksen, E. S. and McHel F. Van Breda. (1992), "Accounting Theory". Irwin.
- 44) Ishida, S. (2014), "The Effect of Accounting Conservatism on Corporate Financing Activity: Evidence from Japan", SSRN-id2442316.
- 45) Iatridis, G.E (2011), "Accounting Disclosures, Accounting Quality and Conditional and Unconditional Conservatism", *International Review of Financial Analysis*, 20, PP. 88-102.
- 46) James, C.H., Keejae, P.H., & Sang- Hyun, P. (2018), "Accounting Conservatism: A Life Cycle Perspective", *Advances in Accounting*. 40, PP. 76-88.
- 47) Jenkins, D. and U. Velury. (2006), "Does Auditor Tenure Impact the Reporting of Conservative Earnings?", Working paper, University of Delaware.
- 48) Jiraporn, P., Miller, G., Yoon, S., & Kim, Y. (2008), "Is Earnings Management Opportunistic or Beneficial? An Agency Theory Perspective", *International Review of Financial Analysis*, 17(3), PP. 622-634.
- 49) Khan, M., Watts, R.L, (2009), "Estimation and Empirical Properties of a Firm-Year Measure of Accounting Conservatism", *Journal of Accounting and Economics* 48 (2-3), PP. 132-150.
- 50) LaFond, R., & Watts, R. (2008), "The Information Role of Conservatism", *The Accounting Review*, 83(2), PP. 447-478.
- 51) LaFond, R., & Roychowdhury, S., (2008), "Managerial Ownership and Accounting Conservatism", *Journal of Accounting Research*, 46(1), PP. 1-11.
- 52) Lara, J.M.G., Osma, B.G., and Penalva, F (2016), "Accounting Conservatism and Firm Investment Efficiency", *Journal of Accounting and Economics*, 61(1), PP. 221-238.
- 53) Lara, J. M. G., B. G., Osma, and A. Mora. (2005), "The Effect of Earnings Management on the Asymmetric", *Journal of Business Finance & Accounting*, 32(3/4), PP. 691-726.
- 54) Li, D. (2007), "Auditor Tenure and Accounting Conservatism", PhD Thesis, Georgia Institute of Technology.
- 55) Lobo, G. L., & Zhou, J. (2006), "Did Conservatism in Financial Reporting Increase after the Sarbanes-Oxley Act?", Initial evidence. *Accounting Horizons*, 20, PP. 57-74.
- 56) Louis, H., Sun, A. X., & Urcan, O, (2012), "Value of Cash Holdings and Accounting Conservatism", *Contemporary Accounting Research*, 29(4), PP. 1249-1271.
- 57) Mashoka, T. Z and A. Abuhommous. (2018), "The Effect of Conservatism on Earnings Quality", *Jordan Journal of Business Administration*, 14(1), PP. 165-175.
- 58) Nagar Venky, Jordan Schoenfeld, Laura Wellman. (2019), "The Effect of Economic Policy Uncertainty on Investor Information Asymmetry and

- Management Disclosures”, *Journal of Accounting and Economics*, 67(1), PP. 36-57.
- 59) Pan, X. (2017), “Accounting Conservatism, Bank Lending and Firm Investment: Evidence from a Quasi- Experiment of China's Stimulus Package”, *Pacific- Basin Finance Journal*. 44, PP. 64- 79.
- 60) Parthasarathy, Kiran. (2010), “Corporate Governance, Conservatism and the Agency Problem”, *Pro Ques*, Ann Arbor, MI 4810, PP.6-1346.
- 61) Paek W, Chen L, and Sami L. (2007), “Accounting Conservatism, Earnings Persistence and Pricing Multiples on Earnings”, Working Paper. Arizona State University-West Campus, and Lehigh University.
- 62) Roberts, R. W. (1992), “Determinants of Corporate Social Responsibility Disclosure: An Application of Stakeholder Theory”, *Accounting Organizations and Society*, 17(6), PP. 595-612.
- 63) Roslinda. (2009), “The Relationship between Corporate Governance and Accounting Conservatism”, University Of New South Wales.
- 64) Ruch, G. and G, Taylor. (2014), “Accounting Conservatism and its Effects on Financial Reporting Quality: A Review of the Literature”, https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1931732
- 65) Ruch, G.W., & Taylor, G. (2015), “Accounting Conservatism: A Review of the Literature”, *Journal of Accounting Literature*, 34, PP. 17-38.
- 66) Scott, B.J. and Xiaotao, L. (2011), “The Allowance for Uncollectible Accounts, Conservatism, and Earnings Management”, *Journal of accounting research*, 48(3), PP. 565-601.
- 67) Shankman, N. A. (1999), “Reframing the Debate between Agency and Stakeholder Theories of the Firm”, *Journal of Business Ethics*, 19(4), PP. 319-334.
- 68) Smith, C., Watts, R.L., (1992), “The Investment Opportunity Set and Corporate Financing, Dividend and Compensation Policies”, *Journal of Financial economics* 32, PP. 263–292.
- 69) Tan L., (2013), “Creditor Control Rights, State of Nature Verification, and Financial Reporting Conservatism”, *Journal of Accounting and Economics*, 55(1), PP. 1–22.
- 70) Watts, R. L., Zimmerman, J. L., (1986), “Positive Accounting Theory”, Prentice Hall, Englewood Cliffs, NJ.
- 71) Watts, R. L. (2003a). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons*, 17(3), PP. 207-221.
- 72) Watts, R.L., (1993), “A Proposal for Research on Conservatism”, Working paper, University of Rochester (presented at the American Accounting Association Annual Meeting, San Francisco.
- 73) Wuchun, C., Chiawen, Liu, Taychang, Wang (2009), “What Affects Accounting Conservatism: A Corporate Governance Perspective”, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 5(1), PP. 47-59.
- 74) Zhang, J. (2008), “The Contracting Benefits of Accounting Conservatism to Lenders and Borrowers”, *Journal of Accounting and Economics*, 45(1), PP. 27-54.